

می‌شود. دچار افسردگی می‌شوند، دچار سرگستگی در نوع کار تئاتری که می‌خواهند انجام دهند، می‌شوند و هزاران مشکل و مسائل دیگری که وجود دارد. با تمام این احوال شما می‌بینید که علاقه‌مندان هنر تئاتر و افرادی که عاشقانه دارند کار می‌کنند، به هر زحمتی که شده چراغ تئاتر را روشن نگه داشته‌اند.

### اطلاع‌رسانی‌ها مسئله است

طبیعتاً نمایش‌های زیادی روی صحنه می‌آید، طبق آمارهایی که بعضی وقت‌ها می‌دهند شاید هر شب حدود صد، صدوبیست نمایش در سالن‌های مختلف تهران روی صحنه می‌آیند. ولی آیا این کارهایی که روی صحنه می‌آیند، اصلاً بازتاب دارند؟ اصلاً مخاطبان اطلاعی از آن‌ها دارند؟ آیا راجع به تئاترهایی که روی صحنه می‌آیند، اطلاع‌رسانی می‌شود؟ آیا نقدهای تئاتری نوشته می‌شود که کدام اجراها خوب است، کدام نمایش‌ها متوسط و کدام کارها ضعیف هستند؟ آیا جامعه به یک نوعی در جریان کار هنرمندان تئاتر قرار می‌گیرد یا قرار نمی‌گیرد؟ این مهم است. مهم این نیست که حتماً یک نمایش فقط روی صحنه بیاید؛ ولی خاموش، کسی از آن مطلع نباشد، راجع به آن بحث و نقد نشود.

طبیعتاً بعضی از نمایش‌ها تماشاگری ندارد و به اصطلاح سالن‌ها خالی می‌رود. یک سری از اجراها هم هستند که خیلی مورد توجه قرار می‌گیرند و شما می‌بینید که بلیت‌های آن دائماً از چند شب قبل، فروش رفته است. دلیلش چیست؟ آیا آن نمایشی که بلیت‌هایش فروش رفته حتماً تئاتر خوبی است و آن نمایشی که بلیت‌هایش فروش نرفته یک تئاتر بد؟ هر دوی این احتمالات ممکن است. یعنی آن کاری که فروش داشته، هم ممکن است کار خوبی باشد و هم ممکن است کار بدی باشد. آن کاری که فروش نداشته نیز همین‌طور، امکان دارد کار خوبی باشد، امکان دارد کار بدی باشد. این وسط چگونه این‌ها معلوم می‌شود؟ چگونه راجع به این‌ها نقد نوشته می‌شود؟ چگونه اطلاع‌رسانی می‌شود؟ چگونه در این زمینه با تماشاگر ارتباطی برقرار می‌شود تا بشناسد و بداند کار خوب چیست و کار بد چیست؟ اصلاً جایگاه خود تماشاگر کجاست؟ آیا با تماشاگرها سوال می‌شود که از اجرایی که دیده‌اید، چه برداشتی داشتید؟ چه گرفتید؟ به نظر تان اجرای خوبی بوده یا اجرای بدی بوده؟ چرا خوب بوده؟ چرا بد بوده؟ همه این‌ها مسائلی هست که یک جریان تئاتری را می‌سازد.

اطلاع‌رسانی‌ها مسئله است. خود تئاتر توان این را ندارد که بتواند هزینه‌های ساخت یک تیزر و پخش آن از تلویزیون را بدهد، اصلاً چنین چیزی ممکن نیست. آیا تلویزیون چنین امکانی را برای تئاتر‌ها به وجود می‌آورد تا مردم بدانند الان چه کارهایی روی صحنه هست؟ تبلیغاتی شود راجع به کارهایی که روی صحنه هست؟ و راجع به آن کارها بحث و صحبت شود

که چه کارهایی خوب است یا چه کارهایی از درجه و اعتبار هنری و فرهنگی برخوردار هست؟ اصلاً هیچ چیزی صورت نمی‌گیرد. اصلاً شما از کارهایی که روی صحنه هست، اطلاع ندارید. چگونه وقتی اطلاع ندارید، بخواهید که بروید آن کارها را ببینید؟ چگونه وقتی اطلاع ندارید و بدون این که بدانید نمایشی که در حال اجراست کار بد یا خوبی است؛ اشتیاقی در شما به وجود بیاید برای این که بروید و آن کار را ببینید؟ الان هم تمام تماشاگرهای تئاتر اکثر از بین خود تئاتری‌ها و دانشجویهای تئاتر و کسانی است که در این قالب‌ها هستند؛ شکل عمومی پیدا نکرده. جامعه، جامعه‌ای نیست که به دنبال کارهای فرهنگی و هنری برود؛ در زمینه‌های مختلف و در رشته‌های مختلف.

### جای خالی تئاتر در صدا و سیما

چرا صدا و سیما به این توجه نمی‌کند که اگر هر کدام از شبکه‌های مختلفی که دارد، در ماه فقط یک تئاتر تلویزیونی پخش کند، از نظر فرهنگی چه تاثیری را که به جامعه خواهد گذاشت و از نظر اشتغال‌زایی چه امکاناتی را که برای هنرمندان تئاتر به وجود می‌آورد، اتفاقی که بسیار بسیار می‌تواند سازنده و ارزشمند باشد. چرا سال‌هاست دیگر نمی‌گذارید از تلویزیون، تئاتر پخش شود؟ و تئاترهای تلویزیونی ضبط شده؟ تئاترهایی ضبط شده که جذابیت لازم را در مدیوم خودش برای تماشاگر داشته باشد. منظور من این نیست که کارهای حوصله‌سربرنده و کارهایی که نتواند با تماشاگر ارتباط برقرار کند. نه منظورم به عنوان یک اثر هنری تئاتری است. البته گمان نمی‌کنم، فایده‌ای داشته باشد چون این کارها انجام نمی‌شود. ما همه بارها و بارها همه این مسائل و مطالب را گفته‌ایم ولی متأسفانه انجام نشده.

### تئاتر جشنواره‌ای، تئاتر برای تماشاگر نیست

یک بخش دیگر این مشکلات، مسئله شهرستان‌هاست. شهرستان‌ها واقعا از نظر تئاتر، بضاعت بسیار کمی برای اجرا دارند. در صورتی که در خیلی از آن‌ها جوان‌های علاقه‌مند فراوان و افراد فوق‌العاده با استعدادی وجود دارد که با کمبود امکانات شدید روبرو هستند و حمایت نمی‌شوند. تنها جایی که گاهی اوقات این حمایت صورت می‌گیرد جشنواره‌هایی است که در این شهرستان‌ها برگزار می‌شوند که آن هم بیشتر شکل آماری پیدا می‌کنند، یعنی تئاتر جشنواره‌ای، تئاتر برای تماشاگر نیست. تئاتری که فقط یک یا دو اجرا در یک جشنواره دارد، تئاتری برای عموم مردم نیست. این تئاتر‌ها بیشتر به این دلیل اجرا می‌شوند تا هنرمندان همان زمینه تئاتر با کارهای همدیگر آشنا شوند، بتوانند ضعف‌ها، قدرت‌ها و مسائلی از این قبیل را بررسی کنند و به آن توجه کنند. ولادو تا اجرای تئاتر در یک جشنواره که تئاتر برای مردم نیست که واقعا



**طبق آمارهایی که بعضی وقت‌ها می‌دهند شاید هر شب حدود صد، صدوبیست نمایش در سالن‌های مختلف تهران روی صحنه می‌آیند. ولی آیا این کارهایی که روی صحنه می‌آیند، اصلاً بازتاب دارند؟ اصلاً مخاطبان اطلاعی از آن‌ها دارند؟ آیا راجع به تئاترهایی که روی صحنه می‌آیند، اطلاع‌رسانی می‌شود؟ آیا نقدهای تئاتری نوشته می‌شود که کدام اجراها خوب است، کدام نمایش‌ها متوسط و کدام کارها ضعیف هستند؟ آیا جامعه به یک نوعی در جریان کار هنرمندان تئاتر قرار می‌گیرد یا قرار نمی‌گیرد**



**متأسفانه تعدادی فقط برای این که بالاخره بتوانند این هزینه‌ها را جبران کنند، از اصل تئاتر دور می‌شوند و به سمت و سوی کشیده می‌شوند که دیگر قضیه به لودگی می‌افتد، دیگر زمینه، زمینه فرهنگی نیست، زمینه هنری نیست. کلماتی گفته می‌شود، حرکاتی صورت می‌گیرد، مسائلی اتفاق می‌افتد فقط به خاطر این که بتواند جذب تماشاگر کند و بلیت بیشتری بفروشد**

بخواهند بیایند و آن را ببینند. این‌ها بالاخره هزینه‌هایی است که در این زمینه‌ها صرف می‌شود ولی هزینه‌هایی است که آن چیزی که باید از درونش در بیاید، در نمی‌آید.

### هنر با جریان کاسبی جور در نمی‌آید

متأسفانه تعدادی فقط برای این که بالاخره بتوانند این هزینه‌ها را جبران کنند، از اصل تئاتر دور می‌شوند و به سمت و سوی کشیده می‌شوند که دیگر قضیه به لودگی می‌افتد، دیگر زمینه، زمینه فرهنگی نیست، زمینه هنری نیست. کلماتی گفته می‌شود، حرکاتی صورت می‌گیرد، مسائلی اتفاق می‌افتد فقط به خاطر این که بتواند جذب تماشاگر کند و بلیت بیشتری بفروشد؛ اگر این نظر باشد، این کاسبی است. هنر با جریان کاسبی جور در نمی‌آید و تمام این‌ها به این دلیل به وجود می‌آید که آن زیرساخت‌هایی لازمی که خدمتتان عرض کردم وجود ندارد. تئاتر جایگاه اعتباری خودش را پیدا نمی‌کند. هنرمند تئاتر به عنوان یک شخصیت فرهیخته و انسانی که در حقیقت هنرمند است و نام هنرمند را بر روی خودش گذاشته، یک مقدار دور می‌شود از آن چه که باید و بر عهده‌اش هست و مسئول آن است. البته خیلی‌ها هستند که سعی می‌کنند یا کار نکنند یا اگر کار می‌کنند باز هم کاری باشد که در شأن کار تئاتر باشد و ارزشمند باشد و آبرو، حیثیت و اعتبار فرهنگی و هنری خودش را حفظ کند.

تئاتر از آن تعریف واقعی خودش و از آن جایگاه واقعی خودش دور شده، منظور من از جایگاه واقعی، تئاترهای خیلی عجیب و غریب و خشک و این‌ها نیست. نه عرض کردم خدمتتان تئاتر یک هنر است. هنر همیشه دوست‌داشتنی و لطیف است، ارتباط خوب برقرار می‌کند، حال می‌خواهد ترازدی باشد، می‌خواهد کم‌دی باشد، هر گونه‌ای که از هنر باشد، علاوه بر آن که یک محتوای قرص و محکم و یک حرف و یک مسئله‌ای را در قالب فرهنگی دارد، در قالب هنری هم باید جذاب و برای تماشاگر خودش جایگاه ویژه‌ای از نظر ارتباط داشته باشد.

### ما جایگاه ویژه‌ای در تئاتر جهان به دست نیابورده‌ایم و خیلی از آن دور افتاده‌ایم

در مجموع ما دچار یک چنین معضلاتی هستیم ضمن این که به اعتقاد من باید به تئاتر ملی و تئاتر ایرانی توجه فراوانی شود. به زمینه‌هایی توجه شود که ما بتوانیم نمایشنامه‌نویسان خوبی تربیت کنیم تا بتوانیم به تعداد نمایشنامه‌نویسان انگشت‌شماری که همواره داشته‌ایم و هنوز هم نامشان، آثارشان و کارشان درخور است و جایگاه ویژه دارند، اضافه کنیم و نمایشنامه‌هایی توسط هنرمندان نوشته شود که کارهایی ایرانی باشند، فرهنگ و زمینه‌های ایرانی را داشته باشد، استفاده از موضوعات خود ما باشد، استفاده از اساطیر ما باشد، استفاده از گذشته، حال، فرهنگ، زمینه‌های اجتماعی، زمینه‌های فرهنگی و